علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۵، ص ۶۵-۸۰

رهیافتی قرآنی به نفی پلورالیسم دینی با تکیه بر آیه مباهله

هادی زینی ملک آباد[۱] / سید سجاد غلامی[۲] / حسن رهبر[۳]

چکیده: آیه ۶۱ آل عمران، مشهور به آیه مباهله، به سبب پیوند با واقعه وفد نجران و نقش آن در اثبات نبوت پیامبر ﷺ و امامت حضرت امیر علیه‌السلام، محل اختلاف مفسران فریقین است. تبیین لغوی و اصطلاحی مباهله و سازگاری آن با شأن نزول متواتر آیه نکات مهمی را روشن می‌سازد. بررسی دیدگاه‌های مفسران نشان می‌دهد که با وجود گسست نسبی در سیاق، دو تفسیر اصلی شکل گرفته است: نخست، دلالت مباهله بر جدایی حق از باطل و تأکید بر حقانیت نبوت پیامبر ﷺ؛ دوم، دلالت آیه بر افضلیت اهل‌بیت علیهم‌السلام و خلافت بلافصل حضرت امیر علیه‌السلام، هرچند برخی علمای اهل سنت با تکلف، در پی انکار آن بوده اند. هرچند پژوهش‌ها عمدتاً به این دو محور محدود شده‌اند، اما تأمل دقیق در سیاق آیات و بازخوانی جریان وفد نجران نشان می‌دهد که نزاع آیه صغروی است. این پژوهش با انتقال بحث به نزاع کبروی و اتخاذ رویکرد سلبی، دلالت آیه بر نفی پلورالیسم دینی را برجسته کرده و نشان می‌دهد که دو دلالت پیشین نیز با استناد به سیاق و تحلیل ترکیب شرکت کنندگان در مباهله، با قوت بیشتری قابل اثبات است.

واژگان کلیدی: آل عمران، مباهله، پیامبر ﷺ، پلورالیسم دینی.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، zeini@theo. usb. ac. ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه یاسوج: s. gholami@yu. ac. ir
۳. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان: h_rahbar@theo. usb. ac. ir

مقدمه

قرآن در گزارش وقایع مهم، از قراین گوناگون و سامان دهی متنی بهره می‌برد و آیه مباهله نیز به عنوان رویدادی تاریخی، محل اهتمام جدی مفسران بوده است. تحلیل سیاق، قراین درون متنی و برون متنی این آیه، امکان فهم دقیق پیام‌های آن را فراهم می‌سازد. درحالی که پلورالیسم دینی از مباحث معاصرِ کلامی است، بررسی رویکرد قرآن نسبت به این مسئله ضرورت دارد. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت موجود، «نفی تکثرگرایی دینی» بر اساس آیه مباهله هنوز به طور مستقل و روشمند مورد واکاوی قرار نگرفته است. پژوهشهای صورت گرفته در خصوص آیه مباهله با وجود تلاشهای ارزنده از توجه به مسئله مورد تحقیق غفلت ورزیده است مانند مقالهٔ دلالت آیه مباهله بر خلافت بلافصل امیر مؤمنان علیه‌السلام (میلانی وغلامی، ۱۳۹۰)، خوانش فقهی جدید از آیه مباهله(الغفوری، ۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی آیه مباهله بارویکرد تبیین فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام (ساجدی و سازمند، ۱۳۹۳)، تحلیل مناسبتی آیه مباهله با دیگر آیات فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام (غلامی و روحی، ۱۳۹۷) واکاوی معنای «نسائنا» در آیه مباهله(جایگاه فاطمه زهرا علیهاالسلام در آیه مباهله از مصداق تامعنای «نسائنا») (طیب الحسینی وانصاریان، ۱۳۹۸)، جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در آیه مباهله از نگاه منابع اهل سنت(یوسف زاده، ۱۴۰۰) و تحلیل استناد به آیه مباهله در مناظرات رضوی(داوری، ۱۴۰۰).

این پژوهش با تأکید بر ضرورت تحلیل قرآنی تکثرگرایی دینی، آیه مباهله را فراتر از رویکرد رایجِ اثبات نبوت و حقانیت اسلام بررسی می‌کند. بخش نخست با تحلیل سیاق آیه و واکاوی مبانی نظریه پردازان پلورالیسم دینی نشان می‌دهد که پاسخ قرآنی به این دیدگاه‌ها در آیه ۶۱ آل عمران به اوج می‌رسد. بخش دوم نیز با تمرکز بر ترکیب حاضران در مباهله و تبیین لغوی و اصطلاحی آن، و با بهره گیری از سیاق و شواهد فرامتنی، تلاش می‌کند لایه‌های پنهان آیه را آشکار کرده و قرائتی سازگارتر ارائه دهد.

۱- بحث و بررسی

ابتدا بخش مباهله از منظر لغوی، اصطلاحی و دیدگاه مفسران ارزیابی می‌شود.

۱-۱. واژه «ابتهال» در لغت و اصطلاح

ماده اصلی این واژه «ب-هـ-ل» و سه اصل معنایی دارد؛ نخست به معنی ترک کردن و رها کردن؛ دوم به مفهوم دعاء: که ابتهال و تضرع در دعا و مباهله به این معنا بازمی گردد؛ سوم به مفهوم آب قلیل و اندک است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۴/۱)؛ راغب در مفردات خود به دو معنا یعنی ترک کردن و دعا توجه نموده است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۹) «ابتهال» مصدر باب افتعال و از ریشۀ «بَهَل» است که به معنای لعن، طرد و واگذاردن به خود می‌آید و در دعا و درخواستِ همراه با اصرار نیز به کار می‌رود. در المصباح المنیر آمده است که «بَهَل» به معنای لعن و «باهل» اسم فاعل آن است و «مباهله» به رویارویی ای گفته می‌شود که دو طرف یکدیگر را نفرین و لعن می‌کنند. (فیومی، ۱۴۱۴: ۶۴/۱ و نیز نک: خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۵۵/۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۶۷/۱) مصطفوی ریشۀ اصلی این واژه را «ترک و رها کردن» می‌داند و سایر معانی-از جمله کاربرد آن در آب اندک یا در دعا و تضرع-را برگرفته از همین اصل می‌شمارد؛ زیرا در ابتهال، انسان با ترک نفس و توجه کامل به خداوند به حالت تضرع می‌رسد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۴۸/۱-۳۴۹) بر اساس دیدگاه مصطفوی، «نبتهل» در آیه مباهله به معنای ترک کامل تمایلات نفسانی و روی آوردن به خدا با تضرع و خلوص است تا در آن حالت، لعن الهی بر دروغ گویان طلب شود. به تعبیر دیگر، ابتهال مقدمۀ اثرگذاری لعن است؛ زیرا انسان با تهی سازی نفس به مرتبه‌ای می‌رسد که نفرین او کارگر می‌افتد. این واژه در قرآن تنها یک بار، در آیه ۶۱ آل عمران، به کار رفته است.

۱-۲. مفاد آیه مباهله از دیدگاه مفسران

در آیه ۶۱ آل عمران، خداوند پیامبر ﷺ را پس از اقامه حجت، به دعوت مسیحیان نجران به مباهله فرمان می‌دهد. نکته اصلی این آیه، تمایز قطعی میان حقیقت و باطل است؛ نکته‌ای که مفسران شیعه نیز نخستین استدلال خود را بر آن بنا کرده اند. سیاق آیه، چه از جنبه اثباتی و چه سلبی، حقانیت پیامبر ﷺ را تأیید کرده و به او در گفت وگو با وفد نجران اطمینان می‌بخشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۴/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۴۵۱/۱۴)؛ بیشتر مفسران شیعه، ترکیب حاضران در مباهله را محور استدلال

خود دانسته و صفای باطن و استحکام اعتقادی آنان را برجسته‌ترین ویژگی می‌شمارند؛ ویژگی‌هایی که بر برتری و مقام والای ایشان دلالت دارد. بنا بر تحلیل واژگان «أبنائنا، أنفسنا و نسائنا»، مفسران معتقدند همراهان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مباهله برگزیده‌ترین و بافضیلت‌ترین افراد امت بوده‌اند و از نظر درستی عقیده، نسبت به سایر صحابه و اعضای خانواده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برتری دارند؛ بر اساس روایات شأن نزول، مفسران و بزرگان شیعه (نک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۶۵۱/۱؛ بحرانی، ۱۳۶۶، ۳۳۴/۲؛ حسینی آسترابادی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۷؛ بانواصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۲۲/۳) و اهل سنت (نک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۲/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۴۷/۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۴۷/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰۱/۳) بر این باورند که آیه در مورد ۵ تن آل عبا نازل شده است؛ مفسران نسبتاً بسیاری اتفاق نظر دارند که «ابناءنا»، اشاره به امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام، «نساءنا» اشاره به حضرت زهرا علیهاالسلام و «انفسنا» اشاره به حضرت علی علیه‌السلام دارد.۱ بر پایه آیه مباهله، حضرت علی علیه‌السلام در جایگاه «نَفْسِ» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی شده است. روشن است که مراد، نفس حقیقی نیست، بلکه مماثلت و برابری در شأن و منزلت است. بنابراین، همان گونه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر مسلمانان اولویت در تصرف دارد، شخصی که در این آیه هم رتبه و مماثل او دانسته شده، نیز از چنین اولویتی برخوردار خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۴/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۴۵۱/۱۴) آیه شریفه، برتری حضرت علی علیه‌السلام بر سایر صحابه را نیز اثبات می‌کند و از آن جا که حضرت علی علیه‌السلام «نفس» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ بنابراین بر امت ضروری است، آن گونه که با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رفتار می‌کنند با حضرت علی علیه‌السلام نیز رفتار کنند.

مفسران پس از تبیین ظاهر آیه، به گزارش واقعه سال دهم هجرت می‌پردازند؛ زمانی که هیئتی از مسیحیان نجران به سرپرستی «اهتم»، «عاقب» و «سید» برای بررسی اسلام

۱. برای اطلاع بیشتر ر. ک: شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج۳، ص ۴۶-۶۲، مرعشی نجفی در پاورقی کتاب مورد اشاره، به تفصیل نام قریب به شصت نفر از شخصیت‌های برجسته اهل سنت را ذکر کرده است که بر اصل نازل شدن آیه مباهله درباره اهل‌بیت علیهم‌السلام تأکید کرده اند. او نام این علما و آثار آنان را به طور مفصل و روشن بیان کرده است.

به مدینه آمدند و بر الوهیت مسیح علیه‌السلام اصرار ورزیدند. آیه، آنان را به مباهله دعوت کرد. اسقف نجران پیش‌تر هشدار داده بود که اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با اهل‌بیتش بیاید، نشانه حقانیت اوست و نباید مباهله کنند. روز بعد، با حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به همراه حضرت علی علیه‌السلام، فاطمه علیهاالسلام و حسنین؟عهمهم؟ و توضیح هویت آنان، هیئت نجران حقانیت را دریافت و از مباهله صرف نظر کرد. (قمی، ۱۳۶۷: ۱۰۴/۱؛ بحرانی، ۱۳۶۶: ۴۳/۲- ۵۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴۳/۱-۵۳؛ ابوالفتوح رازی، [بی تا]: ۳۶۰/۴-۳۶۳)

مقایسه آراء مفسران شیعه ذیل آیه مباهله

ردیف	مفسر	دیدگاه	دلایل	نقد
۱	**طوسی (۵ق)**	آیه دلالت بر افضلیت علی علیه‌السلام بر دیگر صحابه دارد.	دلالت آیه مباهله تمییز حق از باطل است و دعوت شدگان دارای ایمان و عقیده راستین اند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام را در فضیلت و کمال معنوی هم سطح خود قرار داده است. روایت ارائه شده از اسباب نزول نیز مختصر و تقطیع شده است.	سبب نزول آیه اهمیت فراوانی دارد، اما مفسران عمدتاً به بیان مختصر آن اکتفا کرده‌اند؛ درحالی که برای پاسخ گویی استدلالی به مخالفان لازم بود گزارش سبب نزول به صورت مفصل و مستند ارائه شود.
۲	**طبرسی (۶ق)**	آیه بر فضیلت علی علیه‌السلام و امامت امام حسن و امام حسین علیهماالسلام دلالت دارد.	لفظ «أنفُسَنا» نشان دهنده مقام والا و ویژه امامان است و با احادیث و سبب نزول تأیید می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرموده: «حسن و حسین علیهماالسلام امام‌اند، چه قیام کنند و چه نکنند.»	توجه نداشتن به معنای الکاذبین
۳	**حسینی استرآبادی (۱۰ق)**	آیه دلالت بر افضلیت علی علیه‌السلام بر دیگران دارد.	نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و افضلیت او= افضلیت امام علی علیه‌السلام؛ تعیین مصداق بر اساس روایات شأن نزول	آیه همچنین دلایلی چون تمییز حق از باطل، معنای «کاذبین»، مشارکت در مباهله و تأکید بر تأیید الهی را دربردارد.
۴	**کاشانی (۱۰ق (تفسیر اصفی)**	دلالتی بیان نداشته است؛ تنها روایات اسباب نزول	فقط حدیث	تبیین نشده.

۵	**طباطبایی (۱۴ق)**	آیه دلالت بر فضیلت اهل کساء دارد	عبارت «علی الکاذبین» نشان می‌دهد که در یکی از دو سوی مباهله کذابانی هستند و این تنها زمانی ممکن است که در هر دو سو گروهی صاحب دعوت باشند؛ بنابراین، این جمله اثبات می‌کند کسانی که همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند، در دعوی و دعوت با او شریک بوده اند.	او تأکید می‌کند که هرچند دلالت آیه بر امامت علی علیه‌السلام ورای معنای ظاهری است، اما حضور آنان در مباهله و تأیید الهیِ عقیده شان، دو گواه روشن بر افضلیت و امامت علی علیه‌السلام و فرزندانش به شمار می‌رود.
۶	**حائری تهرانی (۱۴ق)**	آیه دلالت بر افضلیت علی علیه‌السلام بر دیگران دارد.	نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و افضلیت او= افضلیت امام علی علیه‌السلام؛ تعیین مصداق بر اساس روایات شأن نزول	آیه همچنین دلایلی مانند تمییز حق از باطل، تبیین معنای «کاذبین»، مشارکت در مباهله و تأیید الهی را دربردارد.
۷	**بانوامین اصفهانی (۱۴)**	به فضیلت یا امامت علی علیه‌السلام اشاره نداشته است.	دلیل خاصی نیامده.	تنها روایات اسباب نزول را شرح داده است بدون اشاره به چگونگی دلالت آیه بر امامت امام علی علیه‌السلام
۸	**صادقی تهرانی (۱۵)**	آیه جایگاه والای امام علی علیه‌السلام را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که او بر همه امت و حتی مقربان و انبیای اولی العزم برتری دارد.	او به عنوان «نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله» مطرح شده و این نشان دهنده مقام والای او نزد خداست؛ این معنا با اسباب نزول و روایات وارده در شأن امام علی علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام تأیید می‌شود.	او استدلال خود را تنها بر روایات و هم نفسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با علی علیه‌السلام پایه گذاری کرده و سایر دلایل آیه، مانند تمییز حق از باطل یا مشارکت در مباهله با توجه به واژه «الکاذبین»، مطرح نکرده است.
۹	**حسینی شیرازی (۱۵)**	اشاره به چگونگی دلالت و افضلیت نداشته است		دلایل زیادی در آیه وجود دارد که وی اشاره نکرده است.
۱۰	**فضل الله (۱۵ق)**	دلالت بر فضیلت اهل کساء دارد(امامت را مستقیم بیان نکرده است)	بیان اسباب نزول؛ اشاره به بزرگی امر مباهله و اشخاصی که باید آن را انجام بدهند.	وی در ذیل آیه مباهله به فضیلت اهل کساء اشاره داشته و دلالت آن را بر امامت امام علی علیه‌السلام تشریح نداده است

۱۱	طیب (۱۵)	آیه دلالت دارد که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در همه شئون، از جمله ولایت، امارت و امامت، مشابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است.	روایات شأن نزول؛ تبیین واژه نفس	حق و باطل؛ تمییزگر؛ معنا الکاذبین و درجه جعل الهی

۱-۳. دیدگاه مفسران اهل تسنن

شبهاتی که برخی از عامه و متفکرانی چون آلوسی، رشید رضا و محمد عبده درباره فضیلت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه‌السلام از آیه مباهله مطرح کرده‌اند، عمدتاً از سوی معتزله و تفصیل یافته توسط ابن تیمیه بوده و دیگران با تغییر الفاظ نقل کرده‌اند؛ این شبهات پیش‌تر توسط علمای امامیه و حتی برخی بزرگان عامه پاسخ داده شده است. از نظر دانشمندان و مفسران اهل تسنن(ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۲۵/۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۳/۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۳۴۸/۱) آیه جماعت مؤمنین را مورد نظر قرار می‌دهد. ابتدا احادیث اهل کساء و آیه مباهله نقل و صحت آن‌ها تأیید شده و سپس روایتی از ابن عساکر ذکر می‌شود که طبق آن، علاوه بر فرزندان امام علی علیه‌السلام، فرزندان دیگر خلفا نیز در مباهله شرکت داشته‌اند و این امر به جماعت مؤمنین تعمیم یافته است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷۷/۳۹) با نقل این روایت درصدد جمع میان این دو روایت برآمده، مراد آیه شریفه را در ظاهر جماعت مؤمنین قلمداد کرده و در حقیقت آیه شریفه را حمل بر معنای عام کرده اند.

برخی مفسران اهل تسنن آیه را عام دانسته و آن را درباره دعوت دو گروه حق و باطل می‌دانند تا زن و کودکان نیز حاضر شوند؛ در حالی که گروهی دیگر معتقدند آیه مخصوص اهل کساء نازل شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۷۰/۱) قاطبه مفسران اهل تسنن احادیث مربوط به مباهله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مسیحیان نجران را بیان داشته‌اند و مصداق اتم و کامل «ابناءنا، نساءنا، انفسنا» را اهل‌بیت علیهم‌السلام بیان داشته‌اند(طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۴/۳-۲۱۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۵۲/۷؛ نخجوانی، ۱۹۹۹م: ۱۱۲/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶۰/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۳/۲؛ ابن عاشور، [بی تا]، ۱۱۴/۳؛ قرطبی۱۳۶۴: ۱۰۳/۴؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۲۹/۲) مفسران، برخلاف برخی

آیات فضیلت یا ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام، روایات مربوط به مباهله را معتبر دانسته و این آیه را از غرر قرآن می‌دانند. دلایل درون متنی و برون متنی آن‌ها در جدول با نقد و رویکرد تاریخی ارائه شده است.

مقایسه آراء مفسران اهل تسنن ذیل آیه مباهله

ردیف	مفسر	دیدگاه	دلایل	نقد
۱	**طبری (۴ق)**	تنها به روایات شأن نزول اشاره شده و فضیلت آیه تأکید شده است.	روایات شأن نزول	در ذیل آیه، هیچ بحث، نقد یا تبیینی از روایات ارائه نشده و دلالت آیه نیز مورد توجه قرار نگرفته است.
۲	**فخر رازی (۶ق)**	ظاهراً بر اساس احادیث قطعی افضلیت امام علی علیه‌السلام را پذیرفته است.	بیان دیدگاه شیعه و نقد نکردن دیدگاه حمصی از علماء آن عصر	مفسران به مفاد آیه اعم و نقش تمییزگر افراد در همراهی با حق و معنای «الکاذبین» توجه نکرده و سایر روایات مانند روایات منزلت را نیز تبیین نکرده‌اند؛ تنها اسباب نزول نقل شده است.
۳	**زمخشری (۶ق)**	آیه را دلالت بر فضیلت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌داند	روایات شأن نزول	فضیلت را پذیرفته اما به نامیدن امام علی علیه‌السلام به نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله توجهی نکرده.
۴	**قرطبی (۷ق)**	تنها اشاره به روایات شأن نزول می‌کند، تنها دلالت را بر صدق نبوت دانسته	روایات شأن نزول	نقد مشابه تفسیر طبری
۵	**ابن تیمیه (۷)**	حمل ظاهر آیه شریفه بر جماعت مؤمنین.	روایتی از تاریخ ابن عساکر و جعلی دانستن روایات مرتبط با شأن اهل کساء در ذیل آیه	جدول نشان می‌دهد که روایات شأن نزول معتبر و موثق‌اند، در حالی که روایت ابن عساکر به دلیل کذب و جعل حدیث، مورد نقد قرار گرفته است.
۶	**ابن کثیر (۸ق)**	وی روایات متعددی نقل کرده و در نهایت، روایات شأن نزول دلالت کننده بر اهل کساء را صحیح دانسته.	روایات شأن نزول	نقد مشابه تفسیر طبری

۷	**نخجوانی (۱۰)**	فقط به روایات شأن نزول اشاره شده و فضیلت آیه مدنظر قرار نگرفته.	روایات شأن نزول	نقد مشابه تفسیر طبری
۸	**جلالین (۱۰)**	تنها اشاره به روایات شأن نزول می‌کند، بدون اینکه آن را دلالت بر فضیلت بداند.	روایات شأن نزول	نقد مشابه تفسیر طبری
۹	**آلوسی (۱۳ق)**	آیه فضیلت اهل‌بیت علیهم‌السلام را نشان می‌دهد، اما امام علی علیه‌السلام در «ابناء» جای دارد نه «انفسنا» و دلالت آیه صرفاً بر فضل است.	عرب داماد را در «ابناء» محاسبه کرده و امام بودن او در زمان پیامبر معنا ندارد؛ منظور «نفس پیامبر» است.	مفسران به نقش تمییزگر افراد در همراهی با حق و لحن خطاب آیه توجه نکرده‌اند؛ روایات متواتر نشان می‌دهد مصداق «نفس» امام علی علیه‌السلام است.
۱۰	**ابن عاشور (۱۴ق)**	او ضمایر متکلم را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و همراهانش نسبت می‌دهد و تنها به طور مختصر به روایت شأن نزول اشاره می‌کند.	طاهر آیه	نقد مشابه تفسیر طبری
۱۱	**سید قطب (۱۴)**	او آیه را تبیین نکرده و تنها آن را دلالت بر صدق نبوت و وحی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته است.	تبیینی نداشته است	نقد مشابه تفسیر طبری
۱۲	**رشید رضا و محمد عبده**	حمل ظاهر آیه شریفه بر جماعت مؤمنین	روایتی از ابن عساکر نقل کرده و روایات شأن اهل کساء را جعلی دانسته و مصداق «نفس» و «نساء» را نقد کرده است.	جدول نشان می‌دهد روایات شأن نزول معتبرند، در حالی که روایت ابن عساکر مورد جرح است و نویسنده در تشخیص معنای واژه‌ها و مصداق آن‌ها خلط کرده است.
۱۳	**طنطاوی (۱۵)**	فقط به روایات شأن نزول اشاره شده و آیه صرفاً دلالت بر صدق نبوت دارد.	روایات شأن نزول	نقد مشابه تفسیر طبری

مفسران اهل تسنن(همانجاها) در ذیل آیه مباهله به روایات شأن نزول اشاره داشته و آن را احادیث صحیحی دانسته‌اند؛ بااین وجود تعداد کمی از آنان بر اساس روایات مذکور آن را دلالت بر فضیلت اهل کساء تفسیر کرده‌اند؛ مانند: فخر رازی(۱۴۲۰: ۲۴۸/۳)؛ زمخشری (۱۴۰۷: ۳۷۰/۱) و آلوسی(۱۴۱۵: ۲/ ۱۸۳)؛ دراین بین بعضی از مفسران عصریِ(رشید رضا؛ ۱۴۱۴: ۲۸۲/۳) اهل تسنن نه تنها آیه را بر فضیلت اهل‌بیت علیهم‌السلام ندانسته‌اند، بلکه قضیه روایات و آن واقعه را منکر و رد کرده اند.

۱-۱. نقد دیدگاه‌های اهل تسنن

علمای اهل تسنن با استناد به روایت ابن عساکر، مصادیق آیه مباهله را به عموم مؤمنان تعمیم داده و روایات متواتر شیعه و اهل تسنن را جعلی دانسته‌اند؛ این ادعا مورد نقد است و آلوسی در «روح المعانی» آن را غیرمعتبر می‌داند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰۳/۳)؛ به علاوه این حدیث ازنظر سند مخدوش است؛ چون در سلسله سند آن دو نفر وجود دارند که هر دو در دروغ گویی نزد علمای رجال معروف هستند:

ذهبی در میزان الاعتدال درباره سعید بن عنبسه رازی می‌گوید: «یحیی بن معین گفته است، وی بسیار دروغ گو است و ابوحاتم گفته وی راست نمی‌گوید» (ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۵۴/۲)

هیثم بن عدی؛ ابن معین و ابن داوود گفته‌اند وی بسیار دروغ گو است، نسایی و دیگران وی را متروک الحدیث دانسته اند. (ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۰/ ۱۰۴؛ رازی، ۱۲۷۱: ۱۰۶/۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق: ۵۲/۱۴ -۵۳) ابن حجر در لسان المیزان می‌گوید: وی کوفی است؛ امّا کذاب است و چندین بار تکرار می‌کند که او دروغ گو است و نیز از افراد متعددی نقل می‌نماید که وی دروغ گو است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲: ۷/۶و ۲۹۶-۲۹۹.)

صاحب المیزان حدیث مذکور را شاذ و مخالف روایات شأن نزول می‌داند و دلیل اعراض مفسران، عدم اعتبار آن و فرض داشتن فرزندی برای اهل کساء است که واقعیت نداشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۶/۳) این دیدگاه، اجتهاد در مقابل نص است؛ آیه مباهله طبق دلایل قطعی به افراد معین اختصاص دارد و تعمیم آن به جماعت مؤمنان بدون قرینه‌ای معتبر با نصوص و اخبار متواتر ناسازگار است(ساعدی، ۱۳۹۴: ۳۴۵).

مفسران اهل تسنن «انفسنا» را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام را به «ابناء» نسبت داده‌اند، اما این نادرست است؛ «انفسنا» به دیگران اشاره دارد و تنها علی، فاطمه و حسنین علیهم‌السلام در مباهله حاضر بودند که فضیلت و مقام ویژه علی علیه‌السلام را نشان می‌دهد و با احادیث صحیح تأیید می‌شود(مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۳۵).

اکثر مفسران اهل تسنن تنها واقعه شأن نزول آیه مباهله را نقل کرده‌اند و به فضیلت اهل کساء اشاره نکرده‌اند؛ تنها زمخشری و آلوسی به آن اعتراف کرده‌اند، در حالی که رشید رضا و محمد عبده روایت و واقعه را با استدلال نادرست رد کرده‌اند که پاسخ آن ارائه شده است.

۱-۵. دیدگاه برگزیده

مفسران شیعه مانند طوسی، طبرسی و طباطبایی با دلایل قوی فضیلت آل الله علیه‌السلام را نتیجه گرفته‌اند و تأکید کرده‌اند که اهل‌بیت علیهم‌السلام باید تأیید ظاهری و باطنی الهی داشته باشند. طباطبایی واژه‌های «کاذبین» و «نفس» را دلیل بر لزوم همراهی اهل حق در توحید و اخلاق کامل با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌داند.

۲- نفی پلورالیسم[1] دینی با تکیه بر آیه مباهله

کثرت گرایی دینی هرچند موضوعی نوین در کلام است و پژوهش‌های اخیر زیادی دارد، ریشه‌ای قدیمی دارد. نظریه جان هیک که توسط عبدالکریم سروش در «صراط‌های مستقیم» مطرح شد، با نصوص قرآن در تضاد است(ر.ک: انعام: ۱۵۳).

میان پلورالیسم دین و شریعت تفاوت وجود دارد. قرآن دین را اسلام معرفی کرده و دین به معنای لغوی، تسلیم شدن است. به گفته علامه طباطبایی، همه ادیان الهی در اصل یک دین‌اند و شریعت‌ها تفاوت ظاهری دارند، اما جوهره مشترک آن پذیرش خواست خدا در هر زمان است. (۱۴۱۷: ۱۲۰/۳)؛ وحدت دین با تعدد شریعت‌ها یعنی

۱. پلورالیسم انواع مختلفی دارد که همه آنها قابل نفی نیستند. مثلاً، پلورالیسم در روش و رفتار می‌تواند قابل پذیرش باشد، اما پلورالیسم در حقانیت مورد قبول نیست. در این پژوهش، تمرکز بر پلورالیسم از نوع دوم است.

همه پیامبران اصول توحید و تسلیم در برابر خدای یکتا را تبلیغ کرده‌اند و اطاعت از غیر او نفی شده است. آیه ۸۵ آل عمران تأکید می‌کند که دین جز اسلام پذیرفته نیست و این حکم نه تنها در عصر پیامبر ﷺ بلکه درباره حضرت ابراهیم نیز جاری است؛ قرآن هم بر وحدت دین و هم بر تعدد شریعت‌ها تأکید می‌کند؛ شریعت‌ها در معارف عملی و اخلاقی متفاوت‌اند و اختلاف آنها ناشی از تفاوت توانایی امت‌ها و شرایط مختلف است؛ بنابراین لغزش افرادی چون دکتر سروش در تبیین صراط‌های مستقیم اشتباه است؛ قرآن وحدت دین را تأکید می‌کند (انعام: ۱۵۳)، اما شریعت‌ها بر اساس شرایط امت‌ها متفاوت‌اند (جاثیه: ۱۸؛ مائده: ۴۸)، که به مفهوم پلورالیسم در روش اشاره دارد.

بنابراین اساس دین در باور به خدا و صفات او واحد و تغییرناپذیر است و همه پیامبران آن را تبلیغ کرده‌اند، در حالی که شریعت‌ها در آموزه‌های عملی متفاوت‌اند اما اشتراکاتی نیز دارند(سبحانی، ۱۳۸۵، ۱۹- ۲۳).

سیاق آیه مباهله، آیاتی مانند آل عمران: ۱۹ و ۶۴ نشان دهنده نفی پلورالیسم دینی و پذیرش کثرت شریعت هاست و تفسیری از آیه ارائه می‌دهد که با پاسخ به نزاع کبروی، سایر اهداف را روشن می‌کند؛ برخی تفاسیر تلویحاً به این نکته اشاره کرده‌اند و انگیزه و نحوه حضور وفد نجران روشنگر موضوع است. با گسترش اسلام، هیأت‌های مختلف برای ابراز ایمان یا درخواست امان به حضور پیامبر می‌آمدند؛ وفد نجران نیز به سرپرستی ابوحارثه از جمله این گروه‌ها بود(ر.ک: ابوالفتوح، [بی تا]: ۳۶۰/۴) طبق نقل طبری از عبدالله حرث، هدف وفد نجران ابراز اسلام نبوده و پیامبر آرزو کرده بود که میان او و این مسیحیان فاصله‌ای باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۰/۳) عاملی از این نقل طبری، این گونه برداشت می‌کند که مسیحیان سخت مجادله می‌کردند(عاملی، ۱۴۱۳: ۹۲/۲).

جریان مباهله، تسامح پیامبر ﷺ حتی در زمان قدرت اسلام را نشان می‌دهد؛ او به مسیحیان آزادی انجام مناسک داد و با علم و برهان تلاش کرد آنان را قانع کند، اما طرف مقابل به جدل بی حاصل ادامه داد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶/ ۶۷) بنابراین جریان مباهله

همان گونه که در شأن نزول آمده رخ داد و شامل درخواست فرصت سه روزه و مشورت با یهودیان بنی النضیر، بنی قینقاع و بنی قریظه بود(آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۲/۲) قرینه‌ای بر این است که وفد نجران مشکل علمی نداشت، بلکه به دنبال فرار بود؛ یهودیان آنان را از مباهله بازداشتند و عاقب گفت که منصرف شوند، زیرا اگر پیامبر دروغگو باشد فایده‌ای ندارد و اگر صادق باشد شکست خواهند خورد (ثمالی، ۱۴۲۰: ۱۳۴) گفتۀ عاقب نشان می‌دهد که برخی در حقانیت حضرت تردید داشتند، اما بر باطل بودن خود یقین داشتند و معتقد بودند لعن آنان نتیجه‌ای نخواهد داشت.

در زمان وعده، ابوحارثه ـ رئیس وفد نجران ـ با دیدن چهره‌های اهل کساء گفت: چهره‌هایی می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوه‌ها جابه جا می‌شود؛ با آنان مباهله نکنید که هلاک خواهید شد. (علاوه بر منابع موجود در شأن نزول ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/ ۷۲۹) وفد نجران جزیه پرداختند و از مباهله خودداری کردند؛ برخورد آنان با پیامبر نشان دهنده اثبات حقانیت نبوت و مقام اهل‌بیت بود، اما تسلیم نشدنشان به منافع شخصی و پاداش‌های پادشاهان روم مربوط می‌شد، به ویژه ابوحارثه که به صداقت پیامبر یقین داشت (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴: ۷۲۹/۲).

نگاه واقع بینانه به جریان مباهله نشان می‌دهد که این رویداد سندی برای نفی پلورالیسم دینی است. طالقانی بدون تصریح می‌گوید توحید و شرک اصول بنیادین رسالت پیامبران‌اند و مفهوم «لا إله إلا الله» به بررسی این دو می‌پردازد. او معتقد است شرک و توحید در مسیحیت به هم آمیخته و اعتقاد به الوهیت مسیح بیشتر ناشی از تقلید و تأثیرات محیطی است که با فطرت و عقل سازگار نیست. بنابراین پذیرش آن مضر است و تزلزل روحی مومنان را نشان می‌دهد و ابزار شکست اعتقادات آمیخته آنان است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۸/۵) تعامل پیامبر با وفد نجران نشان می‌دهد که مشکل اصلی، نفی تکثرگرایی دینی است، زیرا دین جز توحید را نمی‌پذیرد[1] تکثر شریعت‌ها طبق قرآن

۱. ر.ک: آیه ۶۲ آل عمران.

و سیره پیامبر آشکار است؛ مانند اجازه پیامبر به مسیحیان نجران برای انجام مراسم مذهبی و نواختن ناقوس در مدینه.

مباهله دو هدف داشت: اثبات نبوت پیامبر و فضیلت اهل‌بیت و امامت علی علیه‌السلام؛ جنبه سلبی آیه (آل عمران: ۱۹) مخالفان عقیده را رد می‌کند و تحقق هدف نخست را تضمین می‌کند. ترکیب حاضر در مباهله، یگانگی دین و نقش اساسی اهل‌بیت را نشان می‌دهد؛ حضور حضرت علی علیه‌السلام تداوم دین واحد را تأیید می‌کند و برخی علمای اهل سنت برای اجبار در پذیرش این حقیقت به آن اشاره نکرده اند.

۳- نتیجه گیری

رویکرد سلبی به جریان مباهله، امکان تبیین سایر اهداف مفسران در حوزه نزاع صغروی و اثباتی به آیه را فراهم می‌کند؛ با این حال، در تفاسیر معاصر شیعه، با وجود طرح گفتمان پلورالیسم، توجه کافی به آن نشده است. اهمیت مباهله و دلالت آن بر امامت و پاسخ به دیدگاه‌های اهل سنت، مفسران شیعی را از پرداختن به موضوع بازداشته است؛ در حالی که رویکرد جدید، تحقق سایر اهداف مفسران را با تأکید بیشتری ممکن می‌سازد. توجه به سیاق آیه و نگاهی نو به زوایای جریان مباهله، حوزه هدف آیه را گسترده‌تر کرده و به سایر الزامات آن پاسخ می‌دهد؛ نه تنها نفی پلورالیسم را اثبات می‌کند، بلکه امامت را با قوت بیشتری تبیین می‌نماید. بررسی مبانی، اصول و انگیزه‌های نظری پلورالیسم دینی و نقد آن بر اساس آیات آل عمران، بسیاری از ابعاد این بحث را روشن می‌سازد.

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱، تابستان ۱۴۰۵

فهرست منابع

قرآن کریم(ترجمۀ فارسی محمدمهدی فولادوند)
ابن حجر عسقلانی. (۱۴۱۲ق). **لسان المیزان**. بیروت: مکتبه مطبوعات الاسلامیه.
ابن عاشور محمد بن طاهر. ([بی تا]). **التحریر والتنویر**، [بی جا]، [بی نا]
ابن عساکر. (۱۴۱۵ق). **تاریخ مدینه دمشق**. بیروت: دارالفکر.
ابن کثیردمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). **تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق محمد حسین شمس الدین. بیروت، دارالکتب العلمیة.
ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ([بی تا]) **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن**. تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵). **روح المعانی**. تحقیق علی عبدالباری عطیة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
بحرانی، سیدهاشم. (۱۳۶۶ش). **البرهان**. تهران: بنیاد بعثت.
بیضاوی عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). **أنوارالتنزیل و أسرارالتأویل**. تحقیق محمدعبدالرحمن المرعشلی. بیروت، داراحیاء التراث العربی.
ثمالی، ابوحمزه. (۱۴۲۰). **تفسیر القرآن الکریم**. بیروت: دارالمفید.
جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۹۸). **تسنیم**. قم: اسراء.
خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۲۲ق). **تاریخ بغداد**. تحقیق بشار ابواد معروف. بی جا: دار المغرب الاسلامی.
خلیل بن احمد فراهیدي. (۱۴۱۰ق). **العین**، قم، انتشارات هجرت.
ذهبی، شمس الدین. (۱۳۸۲ق). **میزان الاعتدال**. تحقیق علي محمدالبجاوي، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **المفردات**. تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ق). **المنار**. بیروت: دار المعرفة.
زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). **الکشاف**. بیروت: دارالکتاب العربي.
ساعدی، محمد. (۱۳۹۴ش). **آیات امامت و ولایت در تفسیرالمنار**. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشرا لمصطفی ﷺ.
سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). **پلورالیزم دینی یا کثرت گرایی**. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
سید بن قطب، (۱۴۱۲ق). **فی ظلال القرآن**. قاهره، دارالشروق.
سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). **الدرالمنثور**. قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). **فتح القدیر**. دمشق: دارابن کثیر.
طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ش). **پرتوی از قرآن**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). **المیزان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق). **جامع البیان**. بیروت: دارالمعرفه.
طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷م). **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، قاهره: نهضة مصر.
عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه. (۱۴۱۵). **تفسیر نور الثقلین**. تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی قم: انتشارات اسماعیلیان.
عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش). **کتاب التفسیر**. تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). **تفسیر من وحی القرآن**. بیروت: دارالملاك للطباعة والنشر.
فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). **تفسیر الصافی**. تهران: انتشارات الصدر.
فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر**. قم: موسسه دارالهجرة.
قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ش). **تفسیر احسن الحدیث**. تهران، بنیاد بعثت.
قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). **الجامع لأحکام القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ش). **تفسیر قمی**. قم، دار الکتاب.
مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالأنوار. بیروت: دار إحیاء التراث العربي.
مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ق). **من هدی القرآن**. تهران: دار محبی الحسین.
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق) ز**تفسیر الکاشف**، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامیة.